

اسکندر مقدونی ، مردی که برای حکومت با سه دختر ایرانی ازدواج کرد

۳۰ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۴:۱۴

مورخان برای مرگ زودرس اسکندر (در حقیقت اسکندر سوم) نیز سه «علت» ذکر کرده اند. گروهی از آنان مرگ او را نتیجه بیماری مالاریا که در سفر هند به آن دچار شده بود قلمداد کرده، دسته ای دیگر نوشته اند که کاساندر قائمقام او در مقدونیه نوعی زهر (که باعث مرگ تدریجی می شود) فرستاده بود تا آشپز اسکندر که از دوستانش بود در غذای او بریزد و اسکندر با خوردن این غذا ظرف چند روز درگذشت و گروه دیگر مرگ او را نتیجه تب روده نوشته اند که از همدان به آن مبتلا شده بود و پرهیز نمی کرد.

مورخان معاصر بر پایه محاسبات تقویمی و نصف النهار بابل (جنوب غربی بغداد) سه روز را در ماه ژوئن (خرداد) به عنوان سالروز درگذشت اسکندر مقدونی معروف به اسکندر بزرگ به دست داده اند: یک دسته از آنان دهم ژوئن، دسته دیگر (اکثریت) غروب یازدهم ژوئن و دسته سوم (شماری کم) ۱۳ ژوئن (۲۳ خرداد).

بنا به نوشته اکثریت، اسکندر ۱۱ ژوئن در سال ۳۲۳ پیش از میلاد در ۳۲ سالگی (یک ماه مانده به ۳۳ ساله شدن) در بابل درگذشت. وی که از همدان و از طریق شوش به بابل رفته بود در این شهر دچار عارضه تب شده بود که دیگر وی را رها ساخت.

مورخان برای مرگ زودرس اسکندر (در حقیقت اسکندر سوم) نیز سه «علت» ذکر کرده اند. گروهی از آنان مرگ او را نتیجه بیماری مالاریا که در سفر هند به آن دچار شده بود قلمداد کرده، دسته ای دیگر نوشته اند که کاساندر قائمقام او در مقدونیه نوعی زهر (که باعث مرگ تدریجی می شود) فرستاده بود تا آشپز اسکندر که از دوستانش بود در غذای او بریزد و اسکندر با خوردن این غذا ظرف چند روز درگذشت و گروه دیگر مرگ او را نتیجه تب روده نوشته اند که از همدان به آن مبتلا شده بود و پرهیز نمی کرد.

در آخرین روز حیات، هنگامی که به زنده ماندن اسکندر امیدی نبود، ژنرالهایش از او پرسیدند که چه کسی را به جانشینی معرفی می کند و انتظار داشتند که بگوید برادرش، و یا فرزندی را که رکسانا - همسر ایرانی اش - در شکم داشت، ولی اسکندر گفت که «شایسته ترین فرد» را برگزینید. اسکندر برای جلب دوستی ایرانیان و این که او را بیگانه ندانند و از بستگان خود بدانند و از پشت خنجر نزنند با سه دختر از بزرگان ایران ازدواج کرده بود ولی تنها از رکسانا (روشنک = رُخسانه) دارای فرزند شده بود و این فرزند که پسر بود و نامش را اسکندر چهارم گذارده بودند پس از مرگ پدر به دنیا آمد. رکسانا Roxane = Roxana دختر ساتراپ

(استاندار) باکتريا (تاجیکستان و مناطق تاجیک نشین افغانستان امروز به مرکزیت بلخ) بود. دو بانوی ایرانی دیگر اسکندر یکی ستاتیرا (ستاره) دختر داریوش سوم و دیگری پریساتیس (پریسا) دختر یک شاهزاده ایرانی بود. رکسانا و پسرش مدتی پس از انتقال به مقدونیه به دست کاساندر از میان رفتند تا رقیب او نشوند. اسکندر در تعقیب ساتراپ باکتريا، دژ سغدیان واقع در تاجیکستان امروز را که بر صخره ای در کوه ساخته شده بود محاصره کرد و گشود و در اینجا بود که رکسانا را ملاقات کرد و به اندرز Hephaestion اندرزگر خود با او ازدواج کرد. این اندرزگر اسکندر عقیده داشت که اگر اسکندر با ایرانیان خویشاوندی نداشته باشد دیری نخواهد گذشت که بر او شورش خواهند کرد. باید جانشین اسکندر فرزند مشترک او و یک بانوی ایرانی باشد. پلوتارک نظر دیگری داده و نوشته است که اسکندر در همان نگاه اول شیفته رکسانای ۱۶ ساله شد و او را از پدرش خواستگاری کرد.

پس از فوت اسکندر، ژنرالهایش بر سر انتخاب «یک جانشین واحد» به توافق نرسیدند و متصرفات او را میان خود قسمت کردند. در خاک اصلی ایران، نفوذ جانشینان اسکندر اندک بود، زیرا اسکندر هر شهری را که در ایران فتح می کرد، اداره امور آن را به یک ایرانی و یا فرماندار قبلی همان شهر می سپرد. وی به اصرار اندرزگر (مشاور) خود و با توجه به خصال و منش نیکوی ایرانیان، افسران خود را تشویق به ازدواج با دختران ایرانی کرده بود.

اسکندر که ارسطو معلم سرخانه او بود و در ۲۰ سالگی بر جای پدر نشسته بود که علاوه بر مقدونیه، بر یونانیان حکومت داشت، در صدد بسط فلسفه یونان به سراسر جهان برآمد و به نام آزاد کردن یونانیان آناتولی (ترکیه امروز) از سلطه ایران، با ۳۰ هزار پیاده و پنج هزار سوار به شرق لشکر کشید و در سال ۳۳۴ پیش از میلاد قدم به آناتولی گذارد و ضمن سه جنگ بر ایران که ۱۵ برابر او نیرو داشت پیروز آمد. وی ضمن جنگهایش با ایران، مصر را گرفت و بندر اسکندریه را در آنجا ساخت. در شمال خاوری تا سمرقند و در آسیای جنوبی تا هند پیش رفت. سپس به بابل بازگشت تا خود را برای اکتشافات جغرافیایی در دریاها دور آماده سازد که درگذشت.

تاخت و تاز اسکندر در شرق ده سال و چند ماه طول کشید. از کارهای بد او ویران ساختن بزرگترین و با شکوه ترین ساختمان عهد باستان و مظهر عظمت و پیشرفت ایرانیان، تخت جمشید، بود.

علت پیروزی اسکندر را بر شاه وقت ایران (داریوش سوم)، رواج فساد در دربار هخامنشی پس از قتل اردشیر سوم و انتصاب مدیران نالایق و استفاده از نظامی مزدور خارجی (مرسنر) برای دفاع از ایران و ترسو و مردد بودن داریوش سوم - شاه وقت - نوشته اند.

هگل (مورخ - فیلسوف آلمانی) از اصحاب فلسفه تاریخ ضمن مقایسه دوره های تاریخی ایران ابراز عقیده کرده است که هر دوره و دودمان پس از گسترش فساد دولتی، عادی شدن بی توجهی به قانون، ضابطه و رسوم، ضعف قضایی و ضعف شخصیت سران دولت و درگیری داخلی (درونی) آنان بر سر قدرت پایان یافته است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/20587/ازدواج-ايراني-دختر-سه-حکومت-مردی-مقدونی-اسکندر>